

ملت ایران آنجا که پای شرافت و استقلال مملکت در میان باشد، مرگ را بر زندگی آلوده به ننگ ترجیح می دهد
دکتر محمد مصدق

اتحاد بزرگ

در اسلام خدمت سربازی عبادت است
امام خمینی

شماره ۳۶ سه شنبه ۲۴ مه ماه ۱۳۵۸

تک شماره ۱۰ ریال

انتخابات شوراهای شهر و بی تفاوتی مردم

انتخابات شوراهای شهرها با همه اهمیت چونان مساله‌ی پیش یا افتاده و ناچیزی تمام شد. دولت که می توانست نقش چشمگیری در بوجود آوردن شناخت صحیح اجتماعی و ایجاد محیط مناسب داشته باشد بی آنکه هیچ کوششی در زمینه روشن کردن ذهن مردم با این پدیده انقلابی و وظیفه حساس و ویژگی های مردمی آن بنماید عجزانه سرتو موضوع را بهم آورد. مردم که تجربه خوبی از انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی و آن انحصارطلبی ها و اخلاقیات نداشتند موضوع را چندان با اهمیت تلقی نکردند و همچنان بخاطر نشان ندادند بگونه ای که دولت هم مجبور به اقرار این حقیقت شد.

گروه های سیاسی نیز با آنکه شوروی شهر می تواند نمودی از حکومت مردم بر مردم باشد و از تمرکز قدرت و بی آسودگی های آن بکاهد شرکت فعالانای در این رخداد اجتماعی نمودند. در برخی شهرها نبود آزادی و دخالت های ناچای و انحصار طلبی کار را بدانجا کشید که انتخابات بقیه در صفحه ۲

صدام حسین و افکار کود کانه اش

خاورمیانه بویژه خلیج فارس اینروزها شاهد تحولات تازه ای است که نیاز به بررسی دقیق دارد تحولاتی که بدون شک کشورهای امپریالیستی غرب و ابرقدرتها در ایجاد آن نقش عمده ای را به عهده دارند. زمانی صحبت از امنیت خلیج فارس است و زمانی نگرانی از انقلاب ایران و در این میان نقش چند کشور که در چارچوب خواسته های جهانخوانان فعالیت دارند مشخص است. در سلسله نوشته های گذشته پیرامون خلیج فارس درباره برخی از آنها صحبت کردیم و حال بیهیتم حکومت نژاد گرای بعث چگونه در صدد ایجاد آزاری در منطقه است. صدام حسین نوکر استعمار اخیرا در مصاحبه ای ضمن حمله به انقلاب اسلامی ملت ایران خلیج فارس را عربی خوانده است و خواستار سه جزیره ایرانی تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی شده و تاکید کرده که عراق امکانات نظامی خود را در دویارونی با هر کسی که بخواهد حاکمیت کویت یا بحرین را در خطر اندازد بکار خواهد برد. ما از حکومت فاشیستی عراق جز این توقعی نداشتیم و میدانیم که چرا به یکباره بلندگوهای ارتجاعی بعث صدای ناخنجار خود را بلند کرده است. اگر آنها تصور می کنند که ناآرامی های کردستان و خوزستان چندان افکار ایران را مشغول کرده که آنها می توانند هرگونه توطئه ای را طرح ریزی کنند سخت در اشتباهند زیرا پاسخ دندان شکن را همان دلیران کردستان و خوزستان درخاک عراق به آنها خواهند داد. شاید صدام حسین مزدور امپریالیست آگاه نباشد که ملت ایران آنجا که صحبت از استقلال و تمامیت ارضی می باشد در بقیه در صفحه ۴

حرکت های مردموز در کردستان

مسئولان انقلابی مشی مشخصی برای برگرداندن آرامش به منطقه در پیش نگرفته اند. آنچه مسلم است راه حل بحران کردستان را باید در چارچوب سیاسی بررسی و حل کرد زیرا اعمال خشونت و استفاده از روشهای نظامی نمی تواند مشکلات و مسائل این گوشه از مین ما را حل کند. از اشتباهات و ستیزدگی های بی مورد مسئولان در شهرهای کردستان مطالب زیادی نوشته شده و مسلما همین ندامت کاریا بود که کردستان را به صحنه جنگ و ستیز تبدیل کرد ولی جای تعجب است که بعد از گذشت چهار ماه ناآرامی در این منطقه از کشور هنوز از اشتباهات خود تجربه نگرفته ایم. اعمال روشهای نسنجیده و عدم هماهنگی میان ارگانهای که بنحوی در حل

روزنامه «جبهه ملی ایران» دریافت امتیاز رسمی از این پس با محتوایی که امیدواریم همواره غنی تر گردد انتشار می یابد. اما آنچه نوشتن این ستور را به عنوان تجدید پیمان و یادآوری پاره ای نکات، ضرور می سازد موقعیت بحرانی مملکت و لزوم روشن بودن استین مبارزان است. ما مبارزه را از روزهای آغاز کردیم که سایه ی شوم ساواک بر هستی ملی گسترده بود و سانسور و خفقان امید دگونی و تحول را بگونه ی کورسویی فقط درون کسانی که سالیان دراز در سنگر استقلال و آزادی از مرگ و زندان نهراسیده بودند روشن می داشت. پس از اعلام موجودیت «اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران» در ۲۸ آبانماه ۱۳۵۶ که در آن حزب های ایران و ملت ایران و جامعه سوسیالیست ها گرد آمده بودند شورای بازاریان و اصناف تهران نیز بدان پیوست انتشار نشریه ای بصورت مخفی در عهده ما گذاشته شد و از همان نخست تمامی سئولیت انتشار بخش آنرا دوستان حزب ملت ایران صمیمانه پذیرفتند. نشریه زیر نام «خبرنامه ارگان اتحاد نیروهای جبهه ملی منتشر شد و در محیط ترس و وحشت آروز دست به دست از خانه ای به خانه ای بال گذرد و پیام آور مبارزان و نویدبخش راهی شد. رسالت دیگر خبرنامه ایجاد همبستگی میان نیروهای مبارز با منعکس ساختن اعلامیه ها و نظرات گروه های مبارز بود. جبهه ملی تشکیل شد و نخستین شماره دوره دوم خبرنامه در دهم مه ماه ۱۳۵۷ انتشار یافت و تا پیروزی انقلاب زیر دگربار گلوله و گاز خفه کننده اشک آور، همه و همه با کنار مردم و برای مردم یک لحظه مبارزه را ترک نگفتیم. یکی از هیجان انگیزترین خاطرات گروه کوچک ولی پویا و ایثارگونه سراپا ایمان ما مربوط به روز شنبه بیستم بهمن ماه است هر یک در خانه هایمان بودیم که با شنیدن اعلامیه مربوط به تغییر ساعت حکومت نظامی به ساعت ۴ بعد از ظهر با عجله راهی مخفی گاه شدیم فرصت کم بود و مسوق حساس و خطرناک. مقاله ای در رد حکومت نظامی و مقاومت تا پای مرگ برای رسیدن به پیروزی نهائی نوشتیم و مشغول کار شدیم. و در پایان هر یک با مازیک بروی کاغذ شعاری نوشتیم و از گفتنی ها اینکه شعارها هم نزدیک بیم بود از هم جدا شدیم و شگفت تر اینکه در خیابان هم مردم با ما همکلام بودند. بگونه ای دیگر روزهای انقلاب این همبستگی درست معجزه ی تاریخ بسود. بقیه در صفحه ۴

آینده را چه تضمینی است؟

که در بزنگاه آنکس یا کسانی که شایستگی های او را ندارند، بلند نظری و بی غرضی او را ندارند، پرعیز و پاکی او را ندارند و از صلاحیت و کمال او برخوردار نیستند، بقیه در صفحه ۳

چه تضمینی است که «رهبر» در آینده نیز از وسعت نظر، تقوا، پاکی، شایستگی و کمال برخوردار باشد؟ بر همگان، از دوست تا دشمن آنچه پوشیده نیست و غیر قابل انکار اینست که انقلاب ایران دارای یک رهبر بلامناعت است که این مقام را از راه مبارزات پی گیری بی امان خود و بدلیل ویژگی های اخلاقی خویش بدست آورده است و تاریخ چنین

آتش همان، کاسه همان

همان نمی گم در تاریک ترین زوایای مغز این اندیشه گذشته باشد که گذشتی از راه طولانی، پر درد و تحمل خطر کامیون های ده چرخ و راننده های بسیار

شخصیت هایی را کم بغاظر می آورد. تعمیم استثناء ها هیچ ثمری جز تلخکامی و پشیمانی ندارد و امام با خصوصیات منحصر به فردش براسستی در ردیف استثناء های خلقت است. با این مقدمه چگونه می توان داشت

در ارتش تسویه است یا تصفیه

مورد ارتش به اظهاراتی بپردازند که باعث تنزل روحیه افراد ارتش گردد. اینان باید بدانند که هنوز هم در عصر موشکباروجیه عامل بسیار مهمی در سازمانهای نظامی است که بدون آن عملا هیچ نتیجه مثبتی

انضباط سر موفقیت در همه شئون زندگی است و در سازمانهای مختلف بنا به اهمیت ماموریتی که برعهده دارند انضباط مورد توجه قرار میگیرد و در ارتش که ستون فقرات کشور محسوب میشود انضباط طبیعتا باوچ اهمیت خود میرسد و با موجودیت ارتش برابری میکند متاسفانه بعد از انقلاب به علت تبلیغات سوء برخی گروهها به این خصیصه حتی ارتش لطمه شدید وارد آمد و به علت بی توجهی مسئولین به اهمیت این موضوع مدتی دوام یافت تا پس از چند ماه بالاخره هنگامی که به لزوم موجودیت ارتش پی بردند تا اندازه ای انضباط ظاهری به ارتش بازگشت. اما ضد و نقیض گونی های مقامات عالی کشور و اظهار نظره های شخصی باعث سردرگمی بیشتر افراد ارتش می گردد. مسلما برای ایجاد انضباط و آرامش در سطح کشور باید بین خود مقامات مسئول هماهنگی لازم وجود داشته باشد و گر نه با صادر شدن دستورات متناقض از طرف مسئولین امر نمی توان به نتیجه مطلوب رسید. از یک طرف رهبری انقلاب تاکید مکرر در لزوم رعایت سلسله مراتب در ارتش را دارند و صراحتا اعلام میکنند که نباید قلمی یا قلمی در تضعیف ارتش برداشته شود ولی روز بعد افرادی که شعارشان پیروی از دستورات رهبری است برخلاف نظر امام و با استفاده از رسانه های گروهی به اظهار نظره های شخصی و مغرضانه می پردازند. کسانی که جوانان مومن و پرشور ولی آموزش ندیده را به مسلخ می فرستند و به علت عدم فرماندهی لایق با دادن سنگین ترین تلفات به کمترین موفقیتها دست می یابند و تفر احمالی منطقه را برمی انگیزند حق ندارند که در

اشغال فرهنگی

ملتی که برای وحدت می کوشد و در جریان بازسازی فلسفه و ایدئولوژی ملی است در وهله نخست باید تمامی عوامل موجه تشست را روشن نماید و با تجزیه و تحلیل دقیق عوامل انحطاط فرهنگی و بیگانگی فکری به استعمارزدایی در زمینه های هنر و موسیقی، علم، فلسفه، معاری، اندیشه و طرز فکر بپردازد.

هیچ به تروویسم فرهنگی اندیشیده ای! تروویسم فرهنگی یعنی انحطاط ارزش های اصیل یک ملت، یعنی نابودی ایمان، اعتقاد و اخلاق یک ملت. یعنی مسخ روانی جامعه و در هم ریزی بنیانهای وحدت آن جامعه. تروویسم فرهنگی یعنی تخریب و تخطئه فرهنگی ملی یعنی ایجاد تشست فکری و روانی و سرانجام تروویسم فرهنگی یعنی در هم ریزی شالوده های وحدت اجتماعی که برخلاف هجوم های نظامی و زورگویانه ای استعمار، به شکلی نوین و فریبنده وارد عمل می شوند. استعمار سنتی ملت ها را فقط از نظر جغرافیایی اشغال می کرد و در نتیجه نمی توانست فرهنگ ملی را بکلی نابود سازد اما تروویسم فرهنگی در روح یک یک افراد نفوذ می کند و چون موربانه فرهنگ ملی را از محتوا تهی می سازد و پایگاه های ذهنی و سنتی آن دیار را تباه می نماید.

داریوش فروهر:

هیچ گروهی نمی تواند قیام انقلاب باشد



مازندرانی همه با هم در زنجیر بودیم. چه شد که حالا تصور می کنی بر توستم جداگانه رفته است و کی گفته است که اگر هم امتیازی برای یک استان وجود دارد...

پسینه تاریخ کم سابقه بوده است، در یک جامعه دارای استقلال است که می توان آزاد زیست می شود آزادیهای فردی و اجتماعی را نامین کرد ولی هرگز دامنه این آزادیها آنچنانکه پاره ای می گویند نباید به بی بند و باری و هرج و مرج بیانجامد در خیانت آزاد بودن، استلال را بر باد خواهد داد و این آزمون تاریخی ملت ایران هرگز فراموش نخواهد شد تا بنام آزادی استقلالمان به خطر بیفتد، آزادی را زمانی می خواهیم و توتیای چشم می کنیم که ایران استقلال داشته باشد ولی این بدان معنا نیست که انتقاد نکنیم زیرا که انتقاد سازنده است و تکامل دهنده.

انحصار طلبی خطر کناره گیری مردم را در پی دارد

سازنده است و تکامل دهنده. فروهر گفت می بینید که هر روز دشمنان ما بیگانگان و ارتجاع زخم خورده داخلی که بخشی از آن به آن سوی مرزها گریخته و بخشی هنوز در میان ما بسر می بردند. می آفریند، راست است در همین مسأله استغنی و ناسامانی بسیار است، اینها میراث سوم آن سیاه دلان گذشته است که برای ما بجای گذاشتند و اکنون باید آنچه زشتی را به نیکی بدل کنیم و محروم در این راه، وظیفه مردم حفظ وحدت و نقش دست اندرکاران حکومت دوری از اشتباه در خود فرو رفتن است که بی آمد جبران ناپذیری خواهد داشت. من حتم دارم مردم پشتیبانی خود را از کسانی که در راه آنها گام بر میدارند هرگز دریغ نخواهند کرد.

از کانونهای روحانی و بسیاری از شخصیتها نقشهای ارزنده ای داشته اند و به همه آنها باید احترام گذاشت، اما اینکه یک گروه و یک سازمان گمان کند آفریننده این انقلاب بوده و امروز قیام این انقلاب است و انحصارگرانه بخواهد همه چیز را از دیدگاه خود و از دیدگاه اندیشه های خود به آینده انقلاب تحویل کند اشتباه بزرگی است. چنین نظری بی تفاوتی و خطر کناره گیری مردم یعنی بزرگترین ضایعه انقلاب را در پی خواهد آورد، همه باید بی توقع در خدمت مردم رهبری قرار گیرند و در چنین صورتی است که راه گذشته، راهی که تاکنون با پیروزی در آن گام برداشتیم در آینده هم طی خواهیم کرد.

حکومت نژادگرای عراق علیه انقلاب ایران توطئه میکند

داده خواهد شد، انقلاب اسلامی ایران باید بعد جهان گستر داشته باشد و برای هر قراردادی کنونی باقی نماند. ما در آن سوی مرزها علیه ما توطئه می کنند هشدار می دهیم که در سرزمین خودشان پاسخگوی آنها خواهیم بود. ملت ایران دست در دست مردم عراق خواهد گذارد نه دست در دست زمامداران سرسپرده ای که مردم خود را زیر ستم و استعمار کشیده اند.

دیگر استانبلی نمی توانند آن امتیاز داشته باشند؟ کی گفته است که در نظام جمهوری اسلامی ایران کرد نمی تواند لباس خود را بپوشد، کی گفته است در نظام جمهوری اسلامی ایران کرد نمی تواند آموزشهای نخستین را باگوش و زبان خود فراگیرد، یا خراسانی نمی تواند یا مازندرانی، به مذهب یا طرزگوش و نه جدایی سرزمینها مایه جدایی نیست، همه یکمملکت هستیم. با هم انقلاب کردیم و از دستاورد های آن همه باید برخوردار شویم. این وااست همه ملت ایران است که این توطئه را از راه درست در هم شکسته شود و در راهی امام خمینی میدانند به روزنامه ها نگاه کنید درست برخلاف فرامین امام رفتار میکنند و بلافاصله خون را پیرو اسف می اندازند و در این میان تنها کشور و مردم هستند که دچار لطمات جبران ناپذیر می شوند.

این مطلب را به برادران کرد و بلوچ هم گفته ام و دلیلی بر تجاوز از سوی برادران شیعه به برادران سنی نخواهد بود. در گذشته کجا چنین تجاوزی صورت گرفت که در آینده از آن بپراسیم؟ اگر ستمی وجود داشته این ستم بر مردم کردستان تنها یا مردم بلوچستان تنها یا یک گوشه دیگر ایران زیر نام دین نبوده است، این ستم یک قدرت تمرکز یافته، چپاولگری به همه تیره های ایرانی و بر همه استانبلی بوده است.

کردستان از آن ملت و کرد، ایرانی و مسلمان است

هم اکنون، می توانیم نشانه های ستم های گذشته را در همه جای ایران ببینیم به پاره ای از برادران کرد و بلوچ گفته ام، برادر دیروز زندان را بیاد داری که کرد و بلوچ و خوزستانی و خراسانی و آذربایجانی

فرزندان عزیز خود هستند، برخلاف بسیاری از نادانان که به آتش کینه دامن می زنند می گویند «ما می توانیم با قدرت در کردستان هر توطئه ای را سرکوب کنیم اما کردستان از آن ملت و کرد ایرانی مسلمان است». فروهر گفت: «پس روی سخنم با کسانی است که می خواهند از اصل دوازه یا سیزده قانون اساسی نتیجه بگیرند که دارد نوشته میشود دین

سازنده است و تکامل دهنده. فروهر گفت می بینید که هر روز دشمنان ما بیگانگان و ارتجاع زخم خورده داخلی که بخشی از آن به آن سوی مرزها گریخته و بخشی هنوز در میان ما بسر می بردند. می آفریند، راست است در همین مسأله استغنی و ناسامانی بسیار است، اینها میراث سوم آن سیاه دلان گذشته است که برای ما بجای گذاشتند و اکنون باید آنچه زشتی را به نیکی بدل کنیم و محروم در این راه، وظیفه مردم حفظ وحدت و نقش دست اندرکاران حکومت دوری از اشتباه در خود فرو رفتن است که بی آمد جبران ناپذیری خواهد داشت. من حتم دارم مردم پشتیبانی خود را از کسانی که در راه آنها گام بر میدارند هرگز دریغ نخواهند کرد.

از کانونهای روحانی و بسیاری از شخصیتها نقشهای ارزنده ای داشته اند و به همه آنها باید احترام گذاشت، اما اینکه یک گروه و یک سازمان گمان کند آفریننده این انقلاب بوده و امروز قیام این انقلاب است و انحصارگرانه بخواهد همه چیز را از دیدگاه خود و از دیدگاه اندیشه های خود به آینده انقلاب تحویل کند اشتباه بزرگی است. چنین نظری بی تفاوتی و خطر کناره گیری مردم یعنی بزرگترین ضایعه انقلاب را در پی خواهد آورد، همه باید بی توقع در خدمت مردم رهبری قرار گیرند و در چنین صورتی است که راه گذشته، راهی که تاکنون با پیروزی در آن گام برداشتیم در آینده هم طی خواهیم کرد.

همان وزنه های رژیم شاه بالا و پاترن می رود. نحوه و معیار تصفیه در ارتش با توجه به موقعیت حساس کشور مسأله ایست فوق العاده درخور توجه و چنانچه معیارها منطقی نباشد باید منتظر فاجعه غیر قابل جبران باشیم

رهبانی امام خمینی میدانند به روزنامه ها نگاه کنید درست برخلاف فرامین امام رفتار میکنند و بلافاصله خون را پیرو اسف می اندازند و در این میان تنها کشور و مردم هستند که دچار لطمات جبران ناپذیر می شوند.

در ارتش تسویه است یا تصمیمیه

بقیه از صفحه اول کمترین واکنش منفی را در بین اهالی منطقه بوجود آورد.

حرکت های مردموز در کردستان

رژیم نژادگرای بعث عراق قرار دارد علنا در ناآرامی های کردستان نقش دارند.

دست های مردموزی از فعالیت های سازنده ارتش در کردستان جلو گیری می کند و سعی بر آن دارد که ارتش را به نابودی بکشاند

نژادگرایی بعث اطمینان داشته باشند که پاسخ دخالتهای بی مسورد آنها را در سرزمین خودشان خواهیم داد زیرا آنجا که صعبت از تجاوز به استقلال و تمامیت ارضی مبین در میان باشد تمامی ایرانیان تا آخرین قطره خون خود از مرزهای ایران زمین حفاظت خواهند کرد.

دست های مردموزی از فعالیت های سازنده ارتش در کردستان جلو گیری می کند و سعی بر آن دارد که ارتش را به نابودی بکشاند

اگر سیاست مسئولان انقلابی در این است که نقش عمده را برای بازگرداندن آرامش به کردستان پاسداران بیه عهده گیرند چه بهتر که از میان آنها پاسداران بومی برای کمک به ارتش در منطقه باقی بمانند و بقیه هرچه زودتر خارج شوند.

وظیفه ارتش دفاع از مرزهای کشور است نه دفاع از رژیم

از مهمترین اصول مدیریت رعایت حدود اختیارات و وظایف است محوله است و گرنه اگر قرار بر این باشد که مسئولین روی قدرت شخصی خویش یا وابستگیها به دخالت در اموری که به دیگران مربوط است پیردازند نتیجه ای بس زیان بخش ببار خواهد آورد، آن وزیری که بارها از بردن نام خلیج فارس خودداری کرده است باید بداند که در طول مبارزات مردم قبل از انقلاب شعار مردم در مورد ارتش چنین بوده که: (وظیفه ارتش دفاع از مرزهای کشور است نه دفاع از رژیم) این شعار در اواخر مبارزات که به پیروزی انقلاب منجر گردید همپایه شعار (الله اکبر) در همه جا منعکس بود و به چشم می خورد و بدنبال چنین استدلالی بود که روز ۲۲ بهمن افراد ارتش پادگانها را بروی مردم گشودند حالا چه شده است که دوباره همان معیارهای زمان شاه مرسوم میگردد و تراژوی سنجش وفاداری افراد ارتش با

آش همان، کاسه همان

سفر داریوش فروهر به کردستان در حالی که گردان مبارز همسفران زندانهای طولانی او بوده اند از ویژگی های روحی او آگاهی کامل دارند و در طی دو سفر پر بار که به این بخش از مین داشته نهایت همدلی و همراهی را بسا او نشان دادماند در شرایط سخت و بحرانی کنونی می تواند بسیار امیدآفرین باشد، اگر فرصت طلبی و انحصارگری بار دیگر فاجعه ای نو نیافریند.

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

دانش آموزی از سر گلایه می گفت دبیر تعلیمات اجتماعی همه ی فیلسوفان غرب را منحرف و گمراه کننده دانسته و وجود ملاصدرا را برای ما بسنده اعلام داشته است. این قیاس مع الفارق بجه دلیل انجام گرفته، فقط خدا داند و بس!

وزیر کشاورزی در شناخت دشواریهای کشاورزی ایران در اشتباه است

وزیر کشاورزی در يك مصاحبه مطبوعاتی در پاسخ این سؤال كه آيا افزایش حداقل دستمزد كارگران شهری و رسانی آن به ۵۶۷ ریال موجب بولاشدن دهات می شود پاسخ مثبت داده است و تايد کرده است كه افزایش حداقل دستمزد كارگران شهری موجب بولاشدن دهات می شود، و علاوه بر آن با لحنی لایه آمیز عنوان کرده اند كه در تصمیم سه افزایش دستمزد با نخست وزیر یاهيچكدام از وزراء مشورت نشده است.

درباره مصاحبه مطبوعاتی ایشان و سیاستهای اساسی کشاورزی مناسب به حال ایران بعدا به تفصیل گفتگو خواهیم كرد. و مشكلات اساسی کشاورزی ایران و راههای غلبه بر آن را نشان خواهیم داد ولی در حال حاضر می خواهم فقط به مسئله افزایش مزد كارگران شهری و تأثیر آن در روستا اشاره كنم.

۱- تعیین حداقل دستمزد برابر قانون در اختيار شورایی عالی كار است كه مركب از گروه نمایندگان كارگران و گروه نمایندگان كارفرمایان و گروه نمایندگان دولت است. کیفیت تعیین حداقل دستمزد نیز در قانون كار به صراحت بازگو شده و مقرر داشته است كه حداقل دستمزد می باید چنان تعیین شود كه حداقل هزینه زندگی یك فرد و یك زن و دو بچه دوازده ساله را تأمین كند. بنابراین وقتی کیفیت تعیین حداقل دستمزد معین و ارگان رسیدگی كننده تصمیم گیرنده درباره آن هم معلوم است و توجیهی برای درنگ در اجرای این وظیفه قانونی باقی نمی ماند!

۲- نظام سازمانی درست اقتضا می كند كه هر كدام از ارگانهای حكومتی وظیفه های قانونی خود را دقیق و سریع انجام دهند. هیچكدام از ارگانها حق ندارد اجرای وظایف قانونی خود را به كسب نظر از سایر ارگانها مشروط و منوط كند.

هر كدام از ارگانهای قانونی كشور باید بتواند و قادر باشد كه بر مبنای قوانین و اصول نسبت به وظایف خود و در حوزه صلاحیت خود تصمیم بگیرد. واگذاشتن هرگونه تصمیم گیری بر عهده نخست وزیر

باری بپرچیت و فرار از مسئولیت را در نظام اداری ایران كمترش داد. ۴- نظام درست سازمانی اقتضا می كند كه كار و مسئولیت تقسیم شود و هر سازمان و موسسه ای در زمینه وظایف نامونی خود تصمیم قاطع بگیرد و نه تنها هر سازمان می باید نسبت به مسائل خود سریع و قاطع تصمیم بگیرد، بلکه در داخل سازمانها هم می باید این روحیه درست و سازنده پخش شود، یعنی هر واحد سازمانی باید خود در حدود وظایف قانونی خود با شجاعت تصمیم بگیرد می باید در داخل سازمانها و هم در سراسر نظام اداری كشور تقسیم كار و تقسیم مسئولیت با قاطعیت و صراحت صورت پذیرد. هر مامور دولت می باید وظایف قانونی فرد را بشناسد و نسبت به آن عمل كند. هر مامور دولت می باید حداقلی از حق تصمیم گیری را دارا باشد. سلب حق تصمیم گرفتن از سازمانهای كشوری و نیز از ماموران دولتی به مثابه خفه كردن دستگاه اداری كشور است. همچنانكه در گذشته چنان بوده است و چنین شده است. جناب آقای وزیر کشاورزی در خفه كردن دستگاه اداری كشور تكوشید، اجازه بدهید سازمانهای كشور و ماموران دولت در حدود وظایف نامونی خود تصمیم بگیرند. بسار كردن همه تصمیمها، و سه دنبال آن همه مسئولیتها بر نخست وزیر كاری است نادرست و غیر عملی و غیر معین.

۵- راه رفاهی و تنها راه رفاهی دستگاه اداری كشور از بن بست فلاکت باری نه در آن گیر کرده است شكوفانیدن استعدادها و به حرکت در آوردن مغزها است. جناب آقای وزیر کشاورزی راهی كه شما پیشنهاد می فرمایید راه تباه كردن استعدادها و از حرکت باز داشتن مغزها است. بیائیم بكار این حقیقت تلخ را به پذیریم كه هر كس به صرف احراز مقام اداری بر تواناییهای شگرف دست نمی یابد. بیایید این واقعیت ملموس و محسوس و آشكار و بی پرده را صمیمانه باور كنیم كه «همه چیز را همگان می دانند، نه فقط وزراء! بگذارید استعدادها بشكفند، مغزها

به گفتگو در این باره می نشینم.

۷- مشكل كشور ایران را سه افزایش دستمزد نسبت دادن نهایت سم لطفی است كشور ایران قبل از آنكه داریوس فروهر از سایه وزارت كار كنز كند، به مشكل دچار شده بود. مدتها قبل از آنكه داریوس فروهر دیده بر ساحتش وزارت كار بیند، كشور ایران به بیخ و بسب سهواً اساده بود. داریوس فروهر سد می به وزارت كار رفت كه بازارهای ایران از تره عسندی و پنبه داممارگی و سم امریجایی و چو فرانسوی و ذوت سربایی و مور سومالیایی و پرتغال لیبانی و باو انگلیسی و نوسم اسپانیایی و اساس سندپوری و... ارباسه بسود. داریوس فروهر هنگامی به وزارت كار رفت كه ساسا بود در شیشه سیر كودكان این سرزمین شیر خشك عسندی و سوئیسی و داممارگی می ریختند. جناب آقای وزیر كشور داریوس فروهر مسئول این ماجرا نیست؛ مشكل كشور ایران آن روز روز شكل گرفت و «دهات ایران» آن روز «بولك شد» كه حداقل دستمزد در شهرها شرم آور بود. جناب آقای وزیر كشور سبیل مهاجرت روستاییان به شهرها روزی آغاز شد و زمانی اوج گرفت كه وضع زندگی كارگران شهری چیزی بالاتر از ناچه بود! جناب آقای وزیر كشور اگر درست است كه افزایش دستمزد كارگران شهری دهات را بولك می كند پس چرا هنگامی كه كارگر شهری محتاج با تریس شیشه زندگی را تجربه می كرد باز هم «دهات» «بولك» می شد. برای شما توضیح

۸- ابتدا و انتهای استدلال شما نادرست است. شما دقیقاً در همان مسیری پا گذاشته اید كه وزرای كشور پیشین و همان سخنانی را به زبان می آورید كه ایشان! جناب آقای وزیر كشور جسامت بنده را عفو فرمایید كه برداشت شما را از بیخ و بن نادرست می دانم و با نهایت اعتدال عرض می كنم كه شما مشكل كشور ایران را نشناخته اید و بی جهت بر داریوس فروهر حمله آورده اید. حمله بر داریوس فروهر مشكل كشور را رفع نخواهد كرد. و هیچكس هم سخن شما را باور نخواهد كرد. جناب آقای وزیر كشور شما نه تنها مسئله كشور ایران را نادرست عنوان فرموده اید بلکه كاملاً در جهت عكس قدم برداشته اید.

مشكل كشور ایران در درجه اول زیادی جمعیت روستا است. آری، تعجب نفرمایید. در درجه اول مشكل كشور ایران افزایش بسیار جمعیت روستاها است. جمعیت روستایی ایران در حال حاضر حدود نوزده میلیون نفر است. و حال آنكه این جمعیت در بیست سال پیش حدود یازده میلیون نفر بوده است یعنی در ظرف بیست سال چیزی قریب هشتاد درصد روستاهای ایران افزایش جمعیت داشته است. و در این مدت به سختی و مقدار بسیار کمی بر اداسی زیر كشش افزوده شده است. جناب آقای وزیر كشور

روستاهای ما «بولك» نیست ویران است آب و بذر و كود و اسباب كار ندارد و این گناه روستایی پینوا نیست

برود باید هر كس به فراخور مسئولیت خود برود باید هر كس به فراخور مسئولیت خود حق اخذ تصمیم داشته باشد. قدرت اخذ تصمیم را از ارگانهای اجرائی و از ماموران اجراء نگیرید و بگذارید نیروهای فكری آنان شكفته شود. اگر تعداد كارمندان سازمان اداری ایران يك میلیون نفر است «بگذار يك میلیون گل بشكند، و تا این گلها نشكند، بستان خزان زده این سرزمین شادابی بهاران را باز نخواهد یافت.

۶- اگر در وزارت كشور استعدادهای شكفته شده بود و اگر هزاران گلی كه در نظام اداری وزارت كشور كشت شده است شكفته بود به شما می گفتند كه مشكل كشور ایران در كجا است و چگونه می توان بر آن غلبه كرد. فرصت آن نیست كه در این مختصر دردهای كشور كشور ایران و وسایل درمان آنها را بازگو كنم ولی به گونه اجمال، چنانكه خود بتوانید حدیث مفصل از آن بخوانید سخنی می گویم و می گفتم و سپس در فرصتی وسيعتر

به تنك می آید و روزگاری در سفردنك می كند، مهاجرت روستاییان ما به شهرها از اینگونه است.

جناب آقای وزیر كشور سزاوار شدن روستاییان ما به شهرها از پس «حشمت و جاه» و مزد زیادتر نیست. این هموطنان رنج دیده و بلاكشیده ما از «بد حادثه» به پناه شهرها می آیند. جنس آب آقای وزیر كشور، روزی از آن روزهای دردآور، بر روستایی نیمه ویران می گذشتم. نه آب دیمه نه آبادانی و با خسود گفت «اگر ملك این است و چنین روزگار -

وقتی سرمایه گذار از احداث ساختمان سست و كم دوام در شهر در ظرف چندماه بیش از صد درصد سود می كند ، چرا سرمایه خود را به روستاها ببرد!

زایسن ده ویران دهمت صد هزاره و در آن روز دستمزد كارگران شهری به غایت ناچیز بود!

۱۰- جناب آقای وزیر كشور مشكل ديگر كشور ایران آن است كه نود درصد آبپایی كه برای سرزمین می ریزد هدر می رود و نود درصد از زمینهای این سرزمین را فقیر و بی برکت ساخته اند. و داریوس فروهر در هیچكدام از اینها دخلی و ربغی و فلفلی و فلفلی نداشته است.

۱۱- جناب آقای وزیر كشور نمی دانم به اطلاع حضرتعالی رسانیده اند یا خیر كه روستاهای ما «بولك» نیست و ویران است یعنی آب ندارد. بذر ندارد. كود ندارد. اسباب كار ندارد. راستی جناب آقای وزیر كشور برای بذر و كود سال آینده فكری كرده اید یا اینکه آن هم در گروه تقلیل دستمزد كارگران شهری

۱۲- جناب آقای وزیر كشور علت ديگر ویران ماندن روستاها را برای شما می گویم. علتی است اساسی، بزرگ و مهم. قضیه از این قرار است: به علت پائین بودن دستمزد كارگران شهری، سود سرمایه گذاران به روستا روى خواهند آورد. و در روستا سرمایه های خود را به كار خواهند انداخت و روستا آبادان می شود. جناب آقای وزیر كشور، وقتی سرمایه گذار از احداث ساختمان سست و كم دوام در شهر در ظرف چند ماه بیش از صد درصد سود می كند چرا سرمایه خود را به روستا ببرد، كما اینکه نمی برد. برای آنكه روستا آبادان شود باید در روستا سرمایه گذاری شود. سرمایه گذاری در روستا منوط به آن است كه در شهر به سرمایه سود بیشتری تعلق نگیرد و این معنی با افزایش دستمزد كارگران شهری حاصل می شود.

۱۳- جناب آقای وزیر كشور استراتژی اساسی اقتصاد كشور ایران برگرد این اصل باید گردش كند كه سرمایه به روستا باز گردد. و افزایش دستمزد كارگران شهری این خواسته را برآورده می كند و اميلوادم در آبادانی آبنده روستاهای ایران این تدبیر مامورد عنایت فراد گیرد.

۱۴- جناب آقای وزیر كشور جمعیت فعال روستاهای ایران چیزی حدود پنج میلیون نفر است و كل اراضی زیر كشت ایران چیزی حدود یازده میلیون هكتار - یعنی هر فرد در مساحتی حدود دوالی سه هكتار كشت می كند - و این ماجرا مشخص است. این گروه برای باقی ماندن در روستا موجهی نمی بینند و به ناچار به سوی سرنوشتی ناشناخته در شهر سرازیر می شوند. سفر ایشان به شهر از سر اجبار است و حداقل دستمزد كارگران شهری در این ماجرا دخالتی ندارد. چنانكه در گذشته هم نداشته است.

۱۵- جناب آقای وزیر كشور جمعیت فعال روستاهای ایران قطعاً کمی از سال را كاملاً بی كارند و اگر در این

مدت روستا را ترك كند و به شهر آبنده آيا جای شگفتی است! آيا تسديري انديشيده ايد كه اين جمعيت عظيم نيم از عمر كاري خود را بي ثمر نگذرانند و يا مي خواهيد كه ايشان بي حاصل و عبت در روستا بمانند و به شهر نيايند. در هرحال بسيار خرسند خواهيم شد كه از نظر و پيشنهاد شما در اين مورد يا خبر شوم. زيرا اين يكي ديگر از مشكلات كشور ایران است كه جمعيت فعال روستا را به شهر می راند - و كاستن از دستمزد كارگران شهری هم اين درد را برطرف

وقتی سرمایه گذار از احداث ساختمان سست و كم دوام در شهر در ظرف چندماه بیش از صد درصد سود می كند ، چرا سرمایه خود را به روستاها ببرد!

نخواهد كرد.

۱۶- اجازه فرمایید از آنچه گفته شده است نتیجه بگیریم:

اول - تقسیم وظایف و مسئولیتها در نظام اداری كشور كاری است درست و به جا و كشنایند همه مسائل كشور به دفتر نخست وزیر و بار كردن هرگونه تصمیم گیری بر دوش نخست وزیر امری است نادر و می باید به همه سازمانهای اداری كشور توصیه شود از كشنایسن دشواریها به دفتر نخست وزیر خودداری

نهاد های جمهوری از حالت فوق العاده كنونی بیرون آمد، حكومت باید با اعمال قوانینی پایگیر كه حقاكیت مردم بر سر نوشتشان نشأت یابد و مدیریت جامعه به سازمانها و بنیاد هایی سپرده شود كه برای مستقیم مردم بر گزیده شده اند و آيا در چنان حالی بقول معروف پس از صد و بیست سال اگر امام خمینی حضور نداشته باشد نمایندگان این مجلس تضمین می كند كه «رهبر» از تمامی صفت های خدایی امام برخوردار باشد و جامعه در سلامت كامل رهبری شود ، بدون از غرض و مرض و خود سری !؟

مگر روحانی ناسالم ، مفروض ، خود پسند و بگه تاز پیدا نمی شود؟ مگر خود امام تكلف كه فساد روحانی دود چندان تأثیر زشت و ناپسند در جامعه می گذارد؟ باز مگر امام تكلف كه استعمار سالیان دراز مبرم

بقیه از صفحه اول بر جای او تكيه زنده و جامعه را به استقلال نكشاند !! بطور کلی خصوصیت رهبری ناشی از انقلاب را به دوران پس از انقلاب و در حوزه قدرت فرد یا افرادی نهادن كه طبیعتاً وضع و موقع سیاسی و اجتماعی آنها هیچگونه شباهتی با وضع و موقع سیاسی رهبر انقلاب ندارد ، كاری درست و منطقی نمی تواند باشد !

آینده را چه تضمینی است

تصمیم گیری های عجولانه در مسائل حیاتی و پراهمیت بدون در نظر گرفتن همهی جوانب و خطرات احتمالی كاری غیر منطقی و جبران ناپذیر است

وای به بعث و مجاله ای چند ساعتی - انجاید ، هر چه زمان بیشتر می گذرد دقت و موثكافی از دست می نهند و در مورد مسائل حیاتی و پر اهمیت و سرنوشت ساز ما عجولانه و بدون در نظر گرفتن همهی جوانب و خطرات احتمالی آتی ، تصمیم گیری می كند ! آینده نگری و توجه به موقعیت خاص جغرافیائی ایران كه همیشه مورد ملمع استعمارگران بوده و نقش بزرگ آن در منطقه، جای خود را به نوعی تعمیم زمان حال و ویژگی هایش به آینده داده است . كویی هیچيك از نمایندگان دشمن برای فردی همین نمی تپد ؟ نگران آبنده نیستند او نمی دانند اگر قدرت بطور مطلق و كامل در اختیار يك تن قرار گیرد ؛ آن يك تن كوچكترین لغزشی در زندگی جنتمای داشته باشد . چه آسیب بزرگی به حاكمیت ملی و نظام اجتماعی وارد خواهد شد!؟

وقتی حاكمیت از آن مردم است و هدف از انقلاب پایان دادن به استبداد و خودكامگی بوده. آيا طبق چه قانون اساسی است كه با ایجاد قدرتهای انحصاری و اختیارات نامحدود مسترده مردم را بار دیگر به كام خودسری و بگه تازی سوق می دهد!؟ در فرهنگ سیاسی چه تغییری بر چنین قوانین جز استبداد می توان یافت ؟ وقتی مملكت با تاسیس قانون اساسی و

گفتند.

دوم - برای آنكه سازمانهای اداری كشور از بزمردگی و رخوت خارج شوند و برای آنكه نیروی فكری و استعداد های خلاصه ماموران دولت شكفته شود می باید تصمیم گیری در سطح كشور توزیع و تشویق شود. سوم - مشكل كشور ایران ناشی از افزایش دستمزد كارگران شهری نیست. این مشكلات هنگامی پدیدار شده است كه دستمزد كارگران شهری بسیار بسیار كم بوده است.

چهارم - مشكل اساسی كشور ایران از سرمایه گذاری است و علت اساسی نرفتن سرمایه در شهر به روستا، سود سرشار سرمایه در شهر است و سود سرشار سرمایه در شهر ناشی از کمی مسزد كارگران شهری است.

پنجم - مشكل ديگر كشور ایران تراكم شدید جمعیت در روستاها - و پراكندگی روستاها است - كه ربطی به دستمزد كارگران شهری پیدا نمی كند. ششم - مشكل ديگر كشور ایران کمی بازده كشور در واحد سطح است كه باز هم مسئولیت آن بر دوش مسزد كارگران شهری نیست.

هفتم - مشكل ديگر كشور ایران فقدان يك سیاست روشن قاطع و مبتنی بر حقایق و آمار است و ما كوشش خواهیم كرد كه با تعیین و ادامه خطوط اصلی این سیاست، راه رفاهی كشور ایران را از بن بست موجود نشان دهیم.

آینده را چه تضمینی است

تصمیم گیری های عجولانه در مسائل حیاتی و پراهمیت بدون در نظر گرفتن همهی جوانب و خطرات احتمالی كاری غیر منطقی و جبران ناپذیر است

وای به بعث و مجاله ای چند ساعتی - انجاید ، هر چه زمان بیشتر می گذرد دقت و موثكافی از دست می نهند و در مورد مسائل حیاتی و پر اهمیت و سرنوشت ساز ما عجولانه و بدون در نظر گرفتن همهی جوانب و خطرات احتمالی آتی ، تصمیم گیری می كند ! آینده نگری و توجه به موقعیت خاص جغرافیائی ایران كه همیشه مورد ملمع استعمارگران بوده و نقش بزرگ آن در منطقه، جای خود را به نوعی تعمیم زمان حال و ویژگی هایش به آینده داده است . كویی هیچيك از نمایندگان دشمن برای فردی همین نمی تپد ؟ نگران آبنده نیستند او نمی دانند اگر قدرت بطور مطلق و كامل در اختیار يك تن قرار گیرد ؛ آن يك تن كوچكترین لغزشی در زندگی جنتمای داشته باشد . چه آسیب بزرگی به حاكمیت ملی و نظام اجتماعی وارد خواهد شد!؟

وقتی حاكمیت از آن مردم است و هدف از انقلاب پایان دادن به استبداد و خودكامگی بوده. آيا طبق چه قانون اساسی است كه با ایجاد قدرتهای انحصاری و اختیارات نامحدود مسترده مردم را بار دیگر به كام خودسری و بگه تازی سوق می دهد!؟ در فرهنگ سیاسی چه تغییری بر چنین قوانین جز استبداد می توان یافت ؟ وقتی مملكت با تاسیس قانون اساسی و

آغازی دیگر

بقیه از صفحه اول

بگذریم گرچه یادآوری آن روزهای افتخارآمیز چنان شیرین و با شکوه است که پراحتی نمی‌توان از آن گذشت.

پس از پیروزی انقلاب در شماره ۹۹ خبرنامه هم‌پیمان را مژده دادیم که آزادی را با انتشار عینی «روزنامه جبهه ملی ایران» جشن می‌گیریم.

دوازدهم اسفند مساه شماره ۱۰۰ انتشار یافت. عکس‌هایی که به هنگام توزیع عینی روزنامه از پیرو جوان، بویژه آنها که حکومت مصدق و دوران شکوه‌مند مبارزات مردم ایران را به رهبری آن‌ها خرد به یاد داشتند چنان دلگرم‌کننده بود که خستگی همه‌ی روزهای تلخ و نومی‌ی را از رگ و پی ما بیرون راند پیرمردی بوسه بر روزنامه می‌زد و خدا را سپاس می‌گفت که زنده است و مطرح شدن نام مصدق و حضور مصدقی‌ها را می‌بیند.

روزنامه در تیراژ بالا، همه‌جسای ایران توزیع می‌شد. تا گرایش‌های بخشی از کادر رهبری جبهه ملی تردید آفرین شد. جهت گیری‌های خودسرانه‌ی فردی و از میان بردن رهبری جمعی آنرا از حالت یک پایگاه مبارزاتی نیرومند بیرون آورد و گهگاه چنان حرکت‌های فرصت‌طلبانه‌ای انجام گرفت که بیشتر به صحنه برخورد شخصیت‌ها و باندهای گوناگون شبیه گردید تا یک جبهه متحد ملی.

داریوش فروهر در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام داشت که از جبهه ملی جدا شده و خواستار یک «اتحاد بزرگ» برای استمرار انقلاب اسلامی ملت ایران گردید.

ما با انتشار متن مصاحبه‌ی داریوش فروهر خط درست او را که هم‌گام با انقلاب و برای حفظ دستاوردهای انقلاب بود صحنه گذاریم و طی مقاله‌ای زیر نام «ما مصدقی هستیم» و مصدق را بنیانگذار مبارزات ضد استعماری شرق می‌دانیم.

با افسوس اعلام نمودیم که «کوشش شبانروزی ما برای ایجاد جبهه ملی‌راستین با بهره‌وری از رهنمودهای مصدق در شرایطی که مبین ما ضرورت وجود پایگاهی بنور از فرصت طلبی‌های چپ و راست را با همه وجود احساس می‌کنند. بجایگی نرسیده.

جدایی داریوش فروهر از جبهه ملی ضربی سنگینی بود بر پیکر آسیب دیده جبهه ملی که ما در برخورد با مردم و ارائه‌ی روزنامه با نام جبهه ملی ایران آنرا آشکارا لمس کردیم و برای آنکه نشان دهیم این روزنامه در خط انقلاب است هدف و آرزوی خود را برای ایجاد یک «اتحاد بزرگ» در بالای روزنامه بگونه‌ی شعار بنمایش گذاشتیم.

سرانجام وزارت ارشاد ملی پس از

کاهش قدرت نیروی هوایی بر خلاف مصالح ملی است

حفظ هواپیماهای اف ۱۴ برای پاسداری از مرزهای هوایی ایران زمین ضروری است



تسکیل داده و خلبانان و تکنیسین‌های ایرانی به نگهداری و پرواز با آنان کاملاً آشنا و هواپیمایی هستند که دوره آزمایشی خود را پشت سر نهاده و کاملاً عملیاتی گردیده‌اند و به خوبی آماده دفاع و حمله در مقابل هواپیماهای دشمن احتمالی خواهند بود.

و اما اف ۱۴ یا تام‌کت:

در سالهای گذشته خلبانان شکاری نیروی هوایی مرتباً گزارشاتی از وجود هواپیماهای شناسایی یکی از کشورهای همسایه در ارتفاع زیاد به ستاد نیروی هوایی داده و به علت ارتفاع زیاد رادارهای ما قادر به ردگیری آنان نمی‌شدند و هواپیماهای اف ۵ با سرعت ۶۰۰ مایل در ساعت (۱۰۰۰ کیلومتر) با سرعت ۲۰۰ مایل در ساعت (۳۰۰ کیلومتر) به مبارزه با هواپیماهای شناسایی می‌کشد. پس از بررسی‌های متعدد تصمیم گرفته شد برای حفظ آسمان ایران از هواپیماهای اف ۱۴ استفاده گردد.

اف ۱۴ به علت تغییر سطوح بال در حین پرواز قدرت برتری مانور نسبت به هواپیماهای مافوق مدرن میسک ۲۵ را داشته و قادر است در ارتفاع بالای ۶۰۰۰۰ پا با دشمن درگیر و آنرا از صحنه نبرد خارج نماید.

این هواپیما در حمله و دفاع هوایی موثر و دارای یک توپ ۲۰ میلیمتری در بدنه جلو و قادر به حمل انواع موشکها از جمله ۶ موشک مافوق مدرن فینکس می‌باشد.

در نبرد اخیر سوریه و اسرائیل در آسمان لبنان به نظر می‌رسد جنگجوی اسرائیلی از این موشک یا مشابه آن استفاده نموده‌اند.

محاسن هواپیما اف ۱۴:

۱- دارای قدرت مانور بیشتری نسبت به هواپیماهای دشمن می‌باشد.

۲- قادر به پرتاب ۶ موشک در آن واحد به شش هدف مختلف می‌باشد.

۳- در ارتفاع بسیار زیاد قادر به پرواز می‌باشد.

۴- موشکهای این هواپیما بوسیله رادار هواپیما و رادار خود موشک‌هدایت می‌گردد.

۵- موازنه هوایی ما را نسبت به همسایگان تامین می‌نماید و قادر به پاسداری موثر از آسمان ایران می‌باشد.

۶- به علت تهاجمی بودن این هواپیما همسایگان بطور تقریباً قاطع فکر تهاجم به آسمان کشور ما رادار سر نمی‌پروانند.

معایب:

۱- عدم ذخیره قطعات یدکی برای یک دوره نسبتاً طولانی. (در مورد هواپیما اف ۱۴ می‌توانیم برای مدت چهار سال قطعه خریداری و ذخیره نماییم ولی برای انبار و ذخیره قطعات یدکی اف ۱۴ کمپانی‌های گرومن و هیوز به خود آمریکا نیاز است چند ماه ذخیره قطعات یدکی نمی‌توانند بدهند).

۲- آزمایشی بودن هواپیما - اصولاً هر هواپیما بطور نسبی چندین سال طول میکشد تا تکمیل گردد. و هواپیماهای اف ۱۴ در مراحل تقریباً نخستین است.

۳- وابستگی بسیار زیاد به کشور سازنده در مورد نگهداری و پرواز.

۴- گران بودن هرساعت پرواز این هواپیما که شامل (قطعه، روغن، استهلاک، آموزش، تعمیرات) می‌باشد.

با توجه به محاسن و معایب هواپیما مذکور لزوم نگهداری این هواپیما در شرایط کنونی سیاسی - نظامی ایران کاملاً محرز و غیر قابل تردید می‌باشد.

کشاورزی به درمان فوری نیاز دارد

تشنه‌ها و برخاستن‌ها، و گفتگوهایی نه چندان شیرین و همراه با فضیلت سرانجام امتیاز روزنامه‌ی جبهه ملی ایران به مهندس حسین اخوان مبارز دیرپای حزب ملت ایران که از دوران دانشجویی عضو کمیته‌ی دانشگاه بود و بارها به زندان رفت و در ماههای اختناق نیز مبارزه را ترک نگذاشته بود.

با تهنیت به این همراه صمیمی و دلیر، شورای نویسندگان با مردم پیغان می‌سپارند که به خاطر حفظ استقلال و آزادی این دو نمره بزرگ انقلاب از هیچ کوششی فروگذار نکنند و ضمن آنکه کوچکترین خطا از چشم تیزبینشان بنور نماند دید انتقاد خود را بگونه‌ی کامل دهند و عیبزدا حفظ کنند باشد که در این راه مبارزان راستین ما را مدد رسانند.

سیمای زن در اسلام

دین اسلام به دلیل نفوذ بسیاری که از آغاز پیدایش، در جامعه‌ی ایران داشته است، در همه عقول اجتماعی می‌تواند بطور مفصل مسود بحث قرار گیرد. در این گفتار هر چند باید اقلیت‌های مذهبی را نیز به جهت اینکه دارای آداب و رسوم و قوانین اجتماعی خاص خود هستند، جداگانه مورد بررسی قرار دهیم. ما به لحاظ رعایت اقتصاد، حقوق اسلامی زنها که اکثریت زنان جامعه ما را در برمی‌گیرد. به بررسی می‌گیریم و چون نمی‌توان تحولات زرف و عمیقی را که این دین در طی قرون و در برخورد بادی گذشته ایرانیان و نیز آداب و رسوم و خرافات بجای نهاده است، نادیده گرفت، کوشش خود را صرف نشان دادن سیمای زرد قرآن می‌کنیم در باب آفرینش زن و مرد در قرآن چنین آمده که هر دو از یک جنین

اشغال فرهنگی

بقیه از صفحه اول

مدتها و خواست‌های اشغالگران و متجاوزان فرهنگی می‌کنند.

زبان، اساسی‌ترین وجه تمایز انسان از حیوان است و انسان بوسیله‌ی زبان تمدن را انتقال داده و آنرا می‌سازد. برای آنکه فرزندان، به ملیت خود علاقه‌مند و به ایرانی بودن خود افتخار کنند، باید قبل از هر چیز با زبان و فرهنگ خود آشنا باشند. بدین ترتیب استخوان‌بندی حیات و بقا و استقلال یک ملت، شور و شوق و علاقه‌ی آنها به زبان، معتقدات، آداب و رسوم و سنت‌های تاریخی است که مجموعه‌ی آنها را فرهنگ ملی می‌شناسیم.

در نظام فاسد گذشته که بند بند وجودش به استعمار پیوند خورده بود و هیچ هویتی از خود نداشت در یسری دانشگاه‌های مین ادبیات و تاریخ فارسی را به زبان انگلیسی تدریس می‌کردند و شاگردان باید پرسشنامه‌ها و برکدهای درخواستی خود را به انگلیسی کامل‌کنند. در جشن بزرگداشت مولوی، عارف گرانقدر ایرانی خطابها به زبان انگلیسی خوانده شد.

ما همه‌ی آن به حقارت تن در دادن‌ها، خطه بلقان بر فرهنگ ملی کشیدند، رنک و بوی غرب گرتن‌ها را به حساب وابستگی صرف دستگاه استبداد به استعمار می‌دانیم و بازمی‌دانیم که تمامی آن‌وابستگی‌ها و بی‌آمدهای گیش موجب انقلاب بزرگ اجتماعی گردید و سرمداران آن نظام فاسد را به همراه دستاوردهای شومش به باد سپرد و حالا که به یمن آبی‌باختگی می‌خواهیم نظمی تو بریا داریم این نظم

صدام حسین و افکار کودکانه‌اش

بقیه از صفحه اول

میان باشد یکپارچه از نثار خون خود نیز دریغ نخواهد کرد. گذشته از آن ارتش ایران برای پاسخگویی به هرمتجاوزی آمادگی کامل دارد.

مردم مسلمان کویت فراموش نکرده‌اند که چگونه حکومت بعث عراق با اعزام نیروهای نظامی قصد اشغال بخشی از خاک این کشور را داشت و جای تعجب‌ناست که چگونه صدام حسین داعیه‌دار دلسوزی است.

همچنانکه بارها مقامهای رسمی ایران تأکید کرده‌اند ما قصد صادر کردن انقلاب خود را به کشورهای همسایه نداریم ولی مسلماً از حرکت ایدئولوژی نمی‌توان جلو-گیری کرد و جهان‌بینی مکتب اسلام‌راستین

کشاورزی به درمان فوری نیاز دارد

تواند چاره حد برای کوتاه مدت باشد. بنابراین وزارت کشاورزی که در واقع بایستی گفت مهم‌ترین وزارتخانه مملکت بشمار می‌آید در مواجبه با وضع کشت و کار نخست می‌بایستی سیاست کوتاه مدت ارائه دهد و در تعقیب سیاست به اجرای برنامه‌های بلند مدت بپردازد.

کاخ‌نشینان وزارت کشاورزی لازم است نخست میزهای آشنائی خود را رها کنند و اگر ادعائی دارند دست بکار شوند و سرسبزی و خرمی کشاورزی مملکت را فقط در چمن بلوار خیابان کشاورز (بلوار الیزابت) نینهند.

در اتاقهای لوکس طرح‌های دهان پرکن تهیه کردن و به سمینار ارائه دادن مشکل کشاورزی را حل نخواهد کرد. در برنامه وزارت کشاورزی گفته شد «سیاستهای جدید وزارت کشاورزی اساساً مبتنی بر دو اصل عدم مداخله ناسروای دولت و جلب مشارکت فعال و آگاهانه روستائیان در بازسازی حیات روستایی

کشاورزی به درمان فوری نیاز دارد

تواند چاره حد برای کوتاه مدت باشد. بنابراین وزارت کشاورزی که در واقع بایستی گفت مهم‌ترین وزارتخانه مملکت بشمار می‌آید در مواجبه با وضع کشت و کار نخست می‌بایستی سیاست کوتاه مدت ارائه دهد و در تعقیب سیاست به اجرای برنامه‌های بلند مدت بپردازد.

کاخ‌نشینان وزارت کشاورزی لازم است نخست میزهای آشنائی خود را رها کنند و اگر ادعائی دارند دست بکار شوند و سرسبزی و خرمی کشاورزی مملکت را فقط در چمن بلوار خیابان کشاورز (بلوار الیزابت) نینهند.

در اتاقهای لوکس طرح‌های دهان پرکن تهیه کردن و به سمینار ارائه دادن مشکل کشاورزی را حل نخواهد کرد. در برنامه وزارت کشاورزی گفته شد «سیاستهای جدید وزارت کشاورزی اساساً مبتنی بر دو اصل عدم مداخله ناسروای دولت و جلب مشارکت فعال و آگاهانه روستائیان در بازسازی حیات روستایی

کشاورزی به درمان فوری نیاز دارد

تواند چاره حد برای کوتاه مدت باشد. بنابراین وزارت کشاورزی که در واقع بایستی گفت مهم‌ترین وزارتخانه مملکت بشمار می‌آید در مواجبه با وضع کشت و کار نخست می‌بایستی سیاست کوتاه مدت ارائه دهد و در تعقیب سیاست به اجرای برنامه‌های بلند مدت بپردازد.

کاخ‌نشینان وزارت کشاورزی لازم است نخست میزهای آشنائی خود را رها کنند و اگر ادعائی دارند دست بکار شوند و سرسبزی و خرمی کشاورزی مملکت را فقط در چمن بلوار خیابان کشاورز (بلوار الیزابت) نینهند.

در اتاقهای لوکس طرح‌های دهان پرکن تهیه کردن و به سمینار ارائه دادن مشکل کشاورزی را حل نخواهد کرد. در برنامه وزارت کشاورزی گفته شد «سیاستهای جدید وزارت کشاورزی اساساً مبتنی بر دو اصل عدم مداخله ناسروای دولت و جلب مشارکت فعال و آگاهانه روستائیان در بازسازی حیات روستایی

کشاورزی به درمان فوری نیاز دارد

تواند چاره حد برای کوتاه مدت باشد. بنابراین وزارت کشاورزی که در واقع بایستی گفت مهم‌ترین وزارتخانه مملکت بشمار می‌آید در مواجبه با وضع کشت و کار نخست می‌بایستی سیاست کوتاه مدت ارائه دهد و در تعقیب سیاست به اجرای برنامه‌های بلند مدت بپردازد.

کاخ‌نشینان وزارت کشاورزی لازم است نخست میزهای آشنائی خود را رها کنند و اگر ادعائی دارند دست بکار شوند و سرسبزی و خرمی کشاورزی مملکت را فقط در چمن بلوار خیابان کشاورز (بلوار الیزابت) نینهند.

در اتاقهای لوکس طرح‌های دهان پرکن تهیه کردن و به سمینار ارائه دادن مشکل کشاورزی را حل نخواهد کرد. در برنامه وزارت کشاورزی گفته شد «سیاستهای جدید وزارت کشاورزی اساساً مبتنی بر دو اصل عدم مداخله ناسروای دولت و جلب مشارکت فعال و آگاهانه روستائیان در بازسازی حیات روستایی